خراسان
WWW.KHORASANNEWS.COM
• یک شنبه ۹ دی ۱۴۰۳ • ۲۷ جمادی الثانی ۱۴۴۶
• شماره ۲۱۶۷۰ • ۲۹ دسامبر ۲۰۲۴

نقدی بر اظهارات جنجالی مجری و مهمانش آن هم در در شرایطی که صدا وسیما بیش از گذشته نیازمند عقلانیت و مرجعیت است

رائفی‌پور و تلویزیون؛ سیاه‌بازی با «جعبه جادو»

گروه سیاسی- تلویزیون را اگر از لحاظ آموزش و جهت‌دهی به افکار عمومی از طریق «سرگرمی» تعریف کنیم، معمولاً به آن «جعبه جادو» می‌گویند و اگر آن را از جنبه آموزش‌های مفهومی و علمی و... صریح در نظر بگیریم، بزرگان به آن عنوان «دانشگاه» داده‌اند. حتی تعریف تلویزیون به جعبه جادو هم منحصر کردن آن به سرگرمی برای سرگرمی یا سرگرمی برای ابتذال نیست؛ بلکه سرگرمی هم باید جهت درست و دقیقی داشته باشد؛ منتها از آن جا که قرار نیست همگان هرروزه کلاس‌های درس و آموزش بروند، بخش مهمی از امر فرهنگ‌سازی درست، در رسانه از طریق سرگرمی پیش برده می‌شود، منتها در دل سرگرمی هم انواع و اقسام جهت‌گیری‌ها وجود دارد؛ این که چه الگوهایی به لحاظ شخصیتی یا رفتاری می‌سازیم و امثالهم.

به یک معنا، قرار نیست همه شبکه‌ها، شبکه ۴ باشند، اما همان طور که شبکه ۴ باید دغدغه ارتقای فرهنگی کشور را داشته باشد، شبکه نسیم هم همان نیت را با روش‌های جذاب و عامه‌پسندتری باید به کار بگیرد و البته سایر شبکه‌ها هم نقش بینابینی در این طیف تلویزیونی دارند.

این چارچوب، مقدمه‌ای برای پرداختن به برنامه‌ای است که با عنوان «جعبه سیاه» این روزها از شبکه افق پخش می‌شود؛ برنامه‌ای حدوداً ۶۰ دقیقه‌ای که یکی از قسمت‌های اخیرش را به حضور آقای علی اکبر رائفی‌پور اختصاص داده و به اصطلاح چیزی شبیه به «پرتره» از او برای مخاطبانش به نمایش گذاشته است. رائفی‌پور چه کسی است؟ فرد شناخته شده‌ای است، امّا آخرین نکاتی که از او به چشم می‌آید کدام است؟ تسنیم نوشت: همین چند هفته پیش مطلب خلافی را درباره خود به رهبر معظم انقلاب نسبت داده بود که با تذکر دفتر مقام معظم رهبری قرار بود آن را اصلاح کند؛ امّا حتی در اصلاح هم به نوعی، خلاف عمل کرد که روزنامه کیهان به قلم آقای حسین شریعتمداری مجبور شد این موضوع (خلاف‌گویی) را علنی کند و نسبت به آن تذکر دهد!

چرا رائفی‌پور به چنین خلاف‌گویی روی آورده بود؟ مشخصاً به این دلیل که اقدامات او به ویژه در انتخابات مجلس و نیز بسیاری از مسائل دیگر با اعتراضات و انتقادات فراوانی در بدنه خود نیروهای انقلابی همراه شده بود و او می‌خواست از طریق این نسبت غیرواقع، موقعیت باخته‌ای را بازگرداند، اما کار بدتر هم شد!

نقدهای اصلی بخش قابل توجهی از نیروهای انقلابی به رائفی‌پور چیست؟ این که او بارها و بارها با تناقض‌گویی و سطحی‌نگری به مسائل، عملاً مجالس و منابری را که در آن حضور دارد به محلی علیه عقلانیت انقلابی تبدیل می‌کند و نه تنها عمدتاً نقش مثبتی در تربیت این نیروها ایفا نمی‌کند، بلکه ماجرا را برعکس می‌کند.

«استاد صدایش می‌کنند، اما خودش «بعضاً» گفته من استاد نیستم!»؛ این تعابیر ابتدایی مجری برنامه در معرفی رائفی‌پور است؛ مجری که می‌گوید «بعضاً»؛ یعنی حداقل رائفی‌پور، گاهی از اطلاق این عنوان به خودش طفره می‌رود. امّا برنامه که شروع می‌شود، در همان آغاز چنین دیالوگی شکل می‌گیرد:

مجری: ببخشید ما شما را چی صدا کنیم؟ استاد، دکتر، آقا؟

رائفی‌پور: هر چی دوست دارید!

مجری: پس شما را استاد صدا می‌کنیم.

رائفی‌پور: در خدمتیم!

استاد و دکتر خواندن افراد البته فی‌نفسه نه به «واقعیت» یک فرد چیزی اضافه می‌کند و نه از آن چیزی کم می‌کند؛ امّا این دو عنوان، معمولاً عناوین آکادمیک، چه در حوزه و چه در دانشگاه محسوب می‌شوند؛ عنوان «دکتر» که محتوای خاص خودش را دارد؛ اگرچه صد البته هر کس که دکتر خطاب می‌شود، لزوماً سطح علمی بالایی ندارد و ممکن است صرفاً مدرکی گرفته یا مقطعی را پذیرفته شده باشد. امّا لفظ استاد طبیعتاً شأن و ارج بالایی دارد؛ فردی ممکن است چند مدرک دکترا هم داشته باشد، اما نه خودش و نه دیگران برای او شان استادی قائل نباشند.

البته الفاظ واقعاً اهمیتی ندارند؛ مسئله، امر بالاتری است؛ اول این که خود آقای رائفی‌پور دقیقاً کدام یک از این سه تا محسوب می‌شود؟ نگارنده این متن ندیده است که مدرک تحصیلی آقای رائفی‌پور رسماً از سوی خود ایشان منتشر شود، امّا آخرین چیزی که درباره او در فضای مجازی یافت می‌شود، ریزنمرات مربوط به مقطع کارشناسی اوست. طبق این مدرک، آقای رائفی‌پور دانش‌آموخته کارشناسی حسابداری از دانشگاه پیام نور شاهرود است. هم رشته محترمی است و هم دانشگاه محترمی و هم شهر محترمی. امّا هر چه هست، اثری از این که ایشان دانشجو یا فارغ‌التحصیل دکتری بوده باشد، حداقل از ناحیه ایشان منتشر نشده و بسیار بعید است که چنین نشانه‌ای هم اساساً وجود داشته باشد.

لذا آقای رائفی‌پور هر چه باشد، «دکتر» نیست؛ اگر چه دکتر بودن یا نبودن افتخاری نباشد. امّا کاراکتر مهمان برنامه از همین چند ثانیه اوّل روشن می‌شود؛ آقای رائفی‌پور خیلی اهمیتی به «دقّت» و «واقعیّت» نمی‌دهد؛ او چند دقیقه بعد هم در برنامه مجدد خودش تاکید می‌کند که «من دکترا ندارم، اما فرقی نمی‌کند که چه صدایم کنند!».

یعنی در واقع آنچه اهمیت ندارد، چیزی به نام واقعیت و استناد است؛ هر چه خواستید جناب رائفی‌پور را صدا کنید؛ همچنان که او هم معمولاً هر چه خواست می‌گوید!

تلویزیون قرار است دست کم «جعبه جادو» باشد؛ امّا حتی مجری هم می‌داند که این میهمان بیشتر -درست یا نادرست- به ماسون‌شناسی و چیزی مثل رمل و اسطرلاب سیاسی مشهور است تا بحث‌های فنی و فلسفی و علمی. چه آن که در موارد بسیاری وقتی خواسته از پژوهش و حرف علمی در روابط خارجی یا هواشناسی و... صحبت کند، بعدها با خودش به تناقض خورده و مجبور شده یا اصل حرف را تکذیب کند و یا این که بگوید تقطیع شده است! نمونه‌هایی از این دست امروز در اینترنت بسیار زیاد است و می‌توان با یک جست‌وجوی ساده به آن رسید. مثلاً آن جا که می‌گوید شلوار جین از همان لفظ جن آمده؛ اما بعدها آن را زیر پوستی پس می‌گیرد و می‌گوید تقطیع شده بود!

نمی‌دانم مجری در همان دقایق ابتدایی می‌خواست که شرّ این اتهام را از سر رائفی‌پور دور کند یا خیر؛ امّا هر چه بود، مسئله را برای جناب استاد! بدتر کرد. مجری به او می‌گوید به طالع‌بینی اعتقاد دارید؟ رائفی‌پور پاسخ می‌دهد: «ببینید یک چیزهایی می‌گویند، ولی باید علمی باشد! مثلاً می‌گویند، اردیبهشتی‌ها بیشتر با بهمنی‌ها ازدواج می‌کنند.»؛ مجری بلافاصله می‌پرسد: «شما با یک خانم بهمن ماهی ازدواج کردید؟»؛ و رائفی‌پور پاسخ می‌دهد: «بله»! و البته بعدش می‌خواهد توضیح بدهد که شاید خیلی هم طالع‌بینی نقشی نداشته. اما آن چه در ذهن مخاطب باقی می‌ماند چیزی نیست که رائفی‌پور یا شاید مجری می‌خواستند پی بگیرند.

استاد واقعی بودن علاوه بر آن که سطح علمی بالا و حتی بالاتر از دکتریِ صرف مدرک‌محور می‌خواهد، تواضع و ویژگی‌های انسانی به خصوصی هم می‌طلبد؛ احتمالاً مخاطب دوست دارد ببیند که استاد خودخوانده که بدون قبولی در دکتری، برایش مسئله‌ای نیست که دکتر و حتی استاد! بخوانندش، از این منظر چگونه است؟ امّا مسئله این است که هر چه برنامه جلوتر می‌رود، نشانه‌هایی از تواضع که نمی‌بیند هیچ، اما برعکسش را بسیار می‌بیند. مثلاً استاد! می‌گوید که وقتی نوجوان بوده، پسردایی‌اش به منزلشان آمده و وقتی دیده که رائفی‌پور عکس برخی بازیکنان (مثلاً هریستئو استوئیچکوف، بازیکن مشهور بلغاری) و امثالهم را پیش خود نگه می‌دارد، به او توصیه کرده که سعی کن به جای آن که عکس دیگران را نگهداری، کاری کنی که دیگران عکس تو را در منزل نگهدارند. و این یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های دوران نوجوانی جناب استاد این جعبه‌سیاه برای ادامه زندگی‌اش می‌شود. البته استاد در ادامه برنامه خودش هم می‌گوید که واقعاً کسی نیست که از دیده شدن بدش بیاید، البته شرایطی دارد.

استاد اگر تواضع چندانی نداشته باشد، اعتماد به نفس کاذبش ولی جای آن را پر می‌کند؛ این که بگوییم تقریباً همه دوست دارند دیده شوند، تعمیم روحیات خاص خود به استادان و اسطوره‌های واقعی بسیاری در طول تاریخ است که حقیقتاً مهم‌ترین نگرانی‌شان دیده شدن و خروج از اخلاص بود.

رائفی‌پور بودن فی‌نفسه مسئله‌ای نیست؛ شاید افراد قابل توجه دیگر هم باشند که علاقه‌مند باشند دیده شوند یا استاد خطاب شوند و به نحو هر چند سطحی، اما در سیاست حاضر باشند، تا آن جا که از بخت بد برای دهندگان، فردی همچون آقای ذوالنور رئیس کمیسیون امنیت ملی سابق مجلس هم خود را تا آن جا کوچک کند که مشقی که استاد به او دیکته کرده را بخواند، امّا مسئله این جاست که نهادهای مهم در کشور که باید «معبر ارتقای عقلانیت و اخلاق» در کشور باشند چه می‌کنند؟ آن‌ها مسیر را برای این سیاست و روش سخیف هموار می‌کنند یا در صدد ارتقای عقلانیت انقلابی در نیروهای جوان هستند؟

در واقع رائفی‌پور مسئله نیست؛ مسئله اصلی مسیر برخی برنامه‌های صداوسیما و البته بعضی نهادهای دیگر است که البته ظاهراً خیلی هم این موارد، «استثنا» نیست. مثلاً در همین جعبه سیاه، یکی دیگر از افرادی که در همین ایام دعوت شده، آقای حمیدرسائی است؛ یکی از رادیکال‌ها و ستیزه‌جویان اصلی در سیاست که یکی از آخرین حضورهای حاشیه‌سازش در تلویزیون، به اخراج معنادار معاون سیاسی وقت صداوسیما (آقای علیرضا خدابخشی) منجر شد؛ اما حالا جعبه سیاه افق دوست داشته، پرتره او را هم به مخاطبان نشان دهد. پرتره‌ای که بیش از هر چیز تبلیغ کسی است که از موانع عقلانیت در سیاست است...

مشخص نیست آقای جبلی از چنین برنامه‌هایی اطلاع کامل دارد یا خیر! امّا ظاهراً تبدیل «جعبه جادویی» به جعبه‌ای واقعاً سیاه چندان کار دشواری نیست؛ یک عدد برنامه می‌خواهد و یکی دو مهمان مسئله‌ساز. فرقی نمی‌کند که چنین برنامه‌ای از افق پخش شود یا هر شبکه دیگر، امّا جناب جبلی و همکاران او که مسئولیت دارند، قاعدتاً می‌دانند که چنین بدسلیقگی‌هایی، آن هم در شرایطی که تلویزیون بیش از گذشته نیازمند عقلانیت و مرجعیت است، می‌تواند به زحماتی که مدیران می‌کشند آسیب بزند.

سرشبکه وابسته به منافقین در اردبیل دستگیر شد

به دنبال دستگیری چند روز گذشته یکی از افراد سرویس جاسوسی کشورهای همسایه در استان، با اشرافیت سربازان گمنام امام زمان (عج) در سازمان اطلاعات سپاه استان اردبیل و اقدامات اطلاعاتی سایبری و در عملیاتی جدید با دستور دادستان مرکز استان، سرشبکه وابسته به گروهک تروریستی منافقین هم در اردبیل شناسایی و دستگیر شد.

دادستان مرکز استان اردبیل گفت: سرشبکه وابسته به گروهک نفاق و سلطنت طلبان در ارتباط با رسانه‌های معاند اقدام به شبکه سازی در فضای حقیقی و مجازی برای تشویش اذهان عمومی، انجام اقدامات ضدامنیتی و تامین نیازمندی‌های اطلاعاتی و عملیاتی معاندان می‌کردند.

جلال آفاقی افزود: امنیت، خط قرمز دادستانی است و دستگاه قضایی با متخلفان امنیت و آرامش مردم به شدت برخورد خواهد کرد.

برشماباد حفظ آرامش و وقار
برشماباد آرام راه رفتن
در تشییع جنازه های مردگان تان

خانواده محترم
آقای سید جلیل دولتی
مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض می نماییم و از خداوند متعال برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر آرزومندیم.
دکتر حلاج مقدم و خانواده

خاندان محترم وهاب زاده
با کمال تأسف درگذشت
استاد ارجمند جناب آقای
دکتر منوچهر وهاب زاده
را صمیمانه تسلیت می گوئیم.
دکتر حسن ناهیدی
دکتر جعفر حسن زاده

با حسن زاده جوانی دوست بودم تا به حال
لغزشی در او ندیدم هیچ سال
حسابش درست بود در تمام زندگی
در کارها پشت کارش جدی و سازندگی
با دست خودش مدرسه هایی ساخته
تا بچه های مشهد به درسشان پرداخته
تا ابد هر کس در آنجا درس خوانَد
باقیات الصالحات برای او مانَد
این نعمتیست خدای به هرکس نمی دهد
بوی گلی را به هر خَس نمی دهد
شاهد خدای را که در هر زیارتی
لایق نیَیم ، برایش دعا و شفاعتی
یارب تو با ائمه محشورش کن
با آل علی تو روبه رویش کن
بخوانیم حمد و سوره از برایش
صلواتی فرستیم و گلی هم بر مزارش

خاندان معزز و محترم
حسن زاده اصفهانی

من دوستی را از دست دادم و در وفاتش با شم هم درد و سوگوارم.
سرکار حاجیه خانم و فرزندان عزیزش، تسلیت ما را پذیرا باشید.
سید محمود چمنی و بانو
۱۰۳۱۴۵

سرکار خانم مهری جواد زاده و فرزندان عزیزتان
دکتر ارشاد آقاسی زاده و بانو، دکتر مهدی آقاسی زاده و بانو
دکتر داوود آقاسی زاده و بانو
دکتر مریم آقاسی زاده و همسر عزیزشان
خاندان معزز آقاسی زاده
رحلت جانگداز آقای
دکتر رضا آقاسی زاده
(استاد و پیشکسوت رشته پریودونتولژی)
را ازصمیم قلب به شما عزیزان تسلیت عرض می نماییم.
دکتر محمود تمیزی و بانو
برزو، آرش، راحله، کورش، نوشین، داریوش، آذین
۱۰۳۱۴۳

برادر گرامی جناب آقای احمد امینی
با ابراز تأسف و تألم ، درگذشت مولمه همسر گرامیتان
بانوی متقی مرحومه حاجیه خانم
« منصوره محسنی نیا »
را تسلیت و تعزیت عرض نموده ، از درگاه ایزد منّان برای آن عزیز سفرکرده رحمت واسعه الهی و برای جنابعالی و بازماندگان محترم صبر و برد باری مسئلت می نمائیم.
شرکت سرمایه گذاری توسعه عمران سپهر هشتم
بنیاد فرهنگی اجتماعی مهر رضا (ع)
شرکت پویندگان مهر هشتم
۱۰۳۲۵۴

« بازگشت همه بسوی اوست »
با نهایت تاسف و تأثر درگذشت بانوی پرهیزگار ، مادری مهربان
مرحومه حاجیه خانم « منصوره محسنی نیا »
همسر جناب آقای احمد امینی
خادم کشیک هفتم و مدیر مالی اسبق آستان قدس رضوی
را به اطلاع دوستان و آشنایان میرساند .
با عرض تسلیت و تعزیت ، مراسم تشییع آن بانوی مکرمه روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۹ ساعت ۱۰ صبح در صحن کوثر و تدفین در رواق حضرت زهرا (س) و مراسم ترحیم روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۱۰ صبح از ساعت ۹ تا ۱۱ و بعد ازظهر از ساعت ۱۹ الی ۲۱ در مسجد المهدی واقع در نبش خیابان فلسطین ۱۴ منعقد خواهد بود .
خانواده های امینی – محسنی نیا
۱۰۳۲۵۷

هوالباقی
با کمال تاسف در گذشت همکار محترم
دکتر رضا آقاسی زاده شعرباف
را به جامعه پزشکی و خانواده محترمشان تسلیت عرض نموده آمرزش روح آن فقید سعید را از خداوند متعال مسئلت داریم.
سازمان نظام پزشکی مشهد
۱۰۳۲۱۵

هوالباقی
با کمال تاسف در گذشت همکار محترم
دکتر منوچهر وهاب زاده
را به جامعه پزشکی و خانواده محترمشان تسلیت عرض نموده آمرزش روح آن فقید سعید را از خداوند متعال مسئلت داریم.
سازمان نظام پزشکی مشهد
۱۰۳۲۱۴

جناب آقای مهندس سعید بامشکی
فقدان تأثر برانگیز پدر گرامیتان، پیشکسوت صنعت برق و پهلوان خوش‌غیرت کشتی
جاویدنام سیّدعلی بامشکی

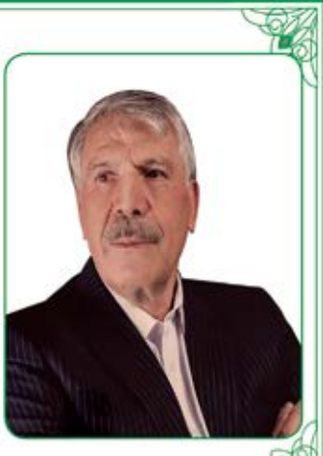

که عمر شریف و پربرکتاش را صرف خدمت و تلاش صادقانه برای اعتلای پرچم استقلال و استغنای ایران‌عزیز نمود را تسلیت گفته، از درگاه ایزد متعال برای جنابعالی و تبار محزونان، صبر و طاقتی هم‌سنگ این اندوه بزرگ تمنّا می‌نماییم.
احسان شجاعی
۱۰۳۳۰۰